فصل‌نامه علمی پژوهش‌نامهٔ تاریخ اسلام
سـال نهم، شماره سی و پنجم، پاییز ۱۳۹۸
مقاله پژوهشی، صفحات ٤٥ - ٦٦

عوامل تأثیرگذار بر قدرت الهادی الی الحق (حک. ٢٨٤- ٢٩٨) در یمن

محمدتقی سازندگی[۱]
محمدطاهر یعقوبی[۲]
سید محمدرضا حسینی[۳]
سید حسن قریشی کربن[۴]

چکیده

زیدیان از سال ۲۸۴ تا ۱۳۸۲ هجری قمری، حکومت طولانی مدتی در یمن داشتند. در میان عوامل سیاسی، فرهنگی و اجتماعی تأثیرگذار بر ماندگاری زیدیان یمن، بی‌تردید نقش الهادی الی الحق (حک. ۲۸۴- ۲۹۸)، غیرقابل انکار است. این پژوهش به دنبال بررسی این مسئله است که عوامل تأثیرگذار بر قدرت سیاسی حکومت الهادی در یمن در قرن سوّم چه بوده است؟ استخراج و بررسی این عوامل می‌تواند در الگوسازی برای حکومت‌های اسلامی مورد استفاده قرار گیرد. در این مقاله، با تحلیلِ داده‌های تاریخی، مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، مشخص شد امامان زیدیه با تأسی از سیره پیامبرﷺ موفق شدند تا توده را جذب و سطح فرهنگی و اجتماعی آنان را ارتقاء دهند. در این پژوهش با تبیین مؤلفه‌ها و معیارهای نهفته در راهبردهای سیاسی- اجتماعی حاکمیت و تحلیل عوامل درونی و گرایش مردم یمن به الهادی، نشان داده شد که الهادی برای تشکیل حکومت به آموزه‌های اسلامی و به خصوص فقه و کلام شیعی- زیدی توجه داشته است.

کلیدواژه‌ها: الهادی الی الحق، امامان زیدی، تاریخ یمن، زیدیان یمن.

---

۱. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم (نویسنده مسئول). Mt.sazandegi92@Gmail.com
۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم. Taher113@Gmail.com
۳. دانشیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نورقم. Mreza_hoseini@yahoo.com
۴. استادیار گروه تاریخ و تمدن دانشگاه پیام نور قم. Shquorishi@Gmail.com
تاریخ دریافت: ۹۸/۰٦/۲۸ تاریخ پذیرش: ۹۸/۰۹/۲۹

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

درآمد

قیام مسلحانه زید فرزند امام‌سجاد علیه السلام علیه امویان در سال ۱۲۲ به شکست انجامید و زید در این ماجرا کشته شد اما حرکت او موجب شکل‌گیری چندین قیام مسلحانه دیگر مانند قیام یحیی‌بن زید (متوفای ۱۲۵)، نفس زکیّه (متوفای ۱٤٥)، حسین فـخّ (متوفـای ۱٦۹) و ابن‌طباطبا (متوفای ۱۹۹) و یک مکتب فکری شد که به نام او زیدیه نام گرفت.

یحیی‌بن الحسین‌بن القاسم رسّی معروف به «الهادی الی الحق» یکی از امامان زیـدی بود که در سال ۲۸۰ در یمن دعوت خود را آغاز کرد. ماهیـت قیـام سیاسـی ـ فکـری الهادی در امتداد اهداف دیگر زیدیان و متناسب با اهداف شیعیان و علویان بود. الهادی موفق شد سلسله امامان زیدیه یمن را پایه‌گذاری کند. این سلسله که به هنگام تأسـیس در قرن سوم با فراز و فرودهای زیادی همراه بود پس از آن با حدود ۵۰ امام، بـیش از ده قرن به حیات خود ادامه داد. این پژوهش عوامل موفقیت حکومت زیدیـه یمـن بـه دست الهادی الی الحق را مورد بررسی قرار می‌دهد.

حکومت زیدیان در یمن به دوره‌های متعددی تقسیم می‌شود. دوره اول در سال‌های ۲۸٤ تا ۵۸۲ و با ورود الهادی در سال ۲۸٤ به صعده آغاز شد و در نهایت در قرن پنجم با ضعف حکومت و شکست‌های پی در پی از صُلیحیون اسماعیلی سـقوط کـرد. ایـن مقاله عوامل قدرتمندی و موفقیت حکومت الهادی را در دوره شکل‌گیری زیدیـه یمـن مورد بررسی قرار می‌دهد. الهادی توانست با تأسی از سیره پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم توده مردم را به خود جذب کند. در آن دوره رشد فرهنگی و اجتماعی، ترویج علنی فـرائض دینـی- مذهبی و احیای سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برای جذب مردم تأثیرگذار بود. به همین سبب به نظر می‌رسد مردم‌داری و دین‌داری از عوامل موفقیت و تثبیت حکومت الهادی بوده‌است.

پیشینه پژوهش

بیشتر پژوهش‌های انجام شده حاوی تحقیقات کلّی در زمینـه تـاریخ قبایـل یمنـی و حکومت‌های زیدیه در یمن است و کمتر به عوامل تأثیرگذار بر حکومت الهادی توجـه شده‌است. در این بین کتاب *دولة الزیدیه فی‌الیمن* نوشته حسن خضیری احمد با ترجمه احمد بادکوبه (۱۳۹۱) در ٤ فصل به برپایی حکومت زیدیه یمن پرداختـه‌اسـت امـا بـه

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

عوامل سیاسی پیش‌برنده حکومت الهادی کمتر توجه کرده است.

مقاله »پیدایش و تطور دولت زیدیه در یمن» نوشته سید علی موسوی نژاد و علی یزدانی (۱۳۸۹)، به وضعیت اجتماعی و سیاسی یمن هنگام ورود الهادی به یمن اشاره می‌کند و پس از پرداختن به جنگ‌های پیاپی الهادی و درگیری‌های او با قبایل، در بخش آخر سیره فرهنگی الهادی را مورد بررسی قرار می‌دهد. با این همه در این مقاله به تأثیر شکل‌گیری حکومت الهادی در یمن و عوامل شتاب‌دهنده‌ی تثبیت حکومت توجه چندانی نشده‌است. مقاله «تاریخ سیاسی و خدمات فقهی آل‌رسی در یمن» نوشته فاطمه جان‌احمدی (۱۳۹۲)تا حدودی به مسئله مقاله حاضر نزدیک شده‌است. جان احمدی پس از بازخوانی تکاپوهای سیاسی ائمه زیدیه در صعده، خدمات علمی و فرهنگی آل‌رسّی آنها را بررسی کرده و در بخشی از آن به دوره حکومت الهادی اشاره کرده‌است. مقاله »بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن» نوشته علی یزدانی و فاطمه جان‌احمدی (۱۳۹۱)، نیز با اینکه عوامل حضور زیدیه در یمن، چالش‌های حکومت زیدیان از جمله حکومت الهادی الی‌الحق را مورد تحلیل قرار می‌دهد اما عوامل پیش‌ران و نقاط قوت حکومت الهادی را به وضوح بررسی نکرده است.

از این‌رو این مقاله با استفاده از منابع دست اول و تحلیل داده‌های تاریخی، موقعیت جغرافیایی، پراکندگی قبایل و قدرت‌های محلّی یمن را بررسی کرده تا عوامل تأثیرگذار بر حکومت الهادی الی الحق را ارزیابی کند.

عوامل پیش‌ران حکومت الهادی در یمن

حکومت الهادی در یمن، با چالش‌های سیاسی و اجتماعی بسیاری روبرو بود. در این بخش عوامل شتاب‌دهنده و پیش‌برنده و تأثیرات آن بر تحولات یمن در دوره تشکیل حکومت زیدیه یمن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. ضعف خلافت عباسی

خاندان‌های حکومت‌گر نقش اصلی در صعود و افول حکومت‌ها دارند. چنانکه انحطاط سیاسی و ضعف خلفا در اداره حکومت از عوامل زوال و انحطاط حکومت

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

عباسی به شمار می‌رود. انحطاط سیاسی به این معناست که جامعه در عرصه حکمرانی، دچار پیچیدگی شود به گونه‌ای که این پیچیدگی به افـول، سـقوط و عقـب‌مانـدگی آن جامعه بینجامد.

قیام الهادی در یمن مصادف با دوره ضعف خلافت عباسیان بود. حکومت عباسـیان در سال‌های ۲۳۲ تا ۳۳٤، در اداره کردن نقاط دور از مرکز حکومت، با دشـواری روبـه رو شده بود و از اعمال مؤثر حاکمیت جز در بخش محدودی از سرزمین عراق نـاتوان شده بودند. قیام‌های بسیاری در قلمرو عباسیان شکل گرفت و سـرزمین‌هـای خلافـت دچـار تجزیـه شـد. از ایـن‌رو در زمـان معتصـم عباسـی (حـک. ۲۱۸– ۲۲۷) افـزایش قدرت‌های محلّی در یمن موجب پیدایش حکومت‌های مستقل و نیمـه‌مسـتقل در ایـن منطقه شد. با آغاز حکومت متوکل عباسی (حک. ۲۳۲– ۲٤۷) نفوذ عباسیان در یمن بـه شدّت کاهش یافت و با عزل و نصب‌های فرمانداران و سـوءمدیریت آنهـا، وحـدت و همبستگی یمن از میان رفت و این منطقـه دچـار تفرقـه و پراکنـدگی شـد. بـا ضـعف خلافت متوکل به دلیل تغییر در سیاست اداری، مالی و نظامی و جابه‌جایی پایتخت بـه سامرا و سرانجام با قتل وی در سال ۲٤۷ (مسکویه، ٥/ ۱۹) زمینه زوال و افول قـدرت عباسی گسترده شد (مسعودی، ٤/ ۳۰).

حکومت های تازه تأسیس استقلال کامل نداشتند و برای ماندگاری با عباسیان تعامل می‌کردند. این‌حکومت‌ها برای کسب مشروعیت و مقبولیت در بین تـوده مـردم، پیونـد خود با خلافت عباسی را حفظ می‌کردند. آنها با اعـلام بیعـت بـا خلیفـه و اطاعـت و وفاداری از وی، قـدرت نوپـای خـود را محکـم مـی‌سـاختند و مناسـبات و تعـاملات مسالمت‌آمیز با دستگاه خلافت برقرار می‌کردند. در یمن چنین تعاملی با خلافت عباسی کمتر مشاهده می‌شود، چرا که ضعف حاکمـان عباسـی در حکومـت‌داری و نارضـایتی عمومی موجب شد تا برخی از قبایل یمن در صدد تأسیس حکومت مستقل باشـند. بـه این‌ترتیب رقابت و تنازع میان قبایل حاکم در یمن فزونی یافت، خاندان آل‌شَـراحی در ناحیه عَرْکَبهٔ حکومتی خودمختار برپا کردند و مدت شصت سـال (۲۱۸ــ۲۷۹) در ایـن منطقه فرمان راندند (همدانی، *الاکلیل*، ۲/ ٦٦). قبـایلی نظیـر زیادیـان از سـال ۲۳۰ در

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

زُبید[1] (ابن‌خلدون، ۱۰٦)، آل‌یُعفِر در سال ۲٤۷ در صنعا (همدانی، *الاکلیل*، ۲/ ۱۸۱)، آل‌طَریف، آل‌ضَحاک، دُعام[2] و نیز اسماعیلیان از سال ۲٦۸ قمری به بعد (حمادی، ۲۰٤) اعلام استقلال کردند و همگی تهدیدی برای سیطره عباسیان به شمار می‌آمدند. بدین‌رو الهادی از ضعف حکومت مرکزی و ناآرامی اوضاع سیاسی و بلوای قبایل یمنی بهره برد و توانست از وضعیت پرآشوب منطقه، موقعیّت خود را در یمن تثبیت کند.

۲. دوری یمن از مرکز خلافت

یمن در انتهای جنوبی شبه جزیره عربستان، بین عمان و عربستان سعودی واقع شده‌است. یمن در ورودی تنگه باب‌المندب، از طریق خلیج عدن دریای سرخ را به اقیانوس هند پیوند می‌دهد. به همین سبب یمن یکی از فعال‌ترین و راهبردی‌ترین خطوط ترابری دریایی جهان را در اختیار داشته است.

فاصله عراق تا یمن ۵۲ مرحله ذکر شده‌است (بکری، ۱/ ۱٤۸). ناصرخسرو در سفرنامه خود مسافت کوفه تا عدن در جنوب یمن را پانصد فرسنگ گزارش کرده و می‌نویسد از مکه تا یمن سرزمین حمیری‌ها و از مکه تا کوفه سرزمین مردم عرب بوده‌است (همان، ۱۲۳). این موقع جغرافیایی، شرایط ویژه سیاسی برای یمن ایجاد کرده بود.

تشتت سیاسی منطقه از عوامل بازدارنده نفوذ الهادی در یمن بود. مردم به پیروی از حکومت خاصی دلبستگی نداشته آزادی در همه عرصه‌ها را خواستار بودند. سفر اول الهادی به یمن در سال ۲۸۰ به دعوت قبیله بنی فطیمه (ابن‌محمد، ۱/ ۱٦۷) و به خصوص به دعوت دعام‌بن ابراهیم انجام شده بود (علوی، ۱۱۳). در این سفر الهادی وضع سیاسی، قبایل و یاران یمنی را ارزیابی کرد (خضیری، ٤۱). به سبب آشوب داخلی و تمرد قبایل از دستورهای شرعی (ابن‌محمد، ۷)، الهادی از اینکه خود را درگیر ماجراجویی نافرجام کند هراس داشت به همین سبب به حجاز

۱. زُبید: (zobeid)؛ نسب این قبیله به قبائل بزرگ مذحج می‌رسد و طبق نظر نسب‌شناسان، زُبید لقب نیای قدیم آنها یعنی منبه‌بن صعب‌بن سعدالعشیره‌بن مالک بود (قلقشندی، ۱/ ۳۲۷).

۲. دُعام: دعام‌بن ابراهیم (متوفای ۲۹۸) رییس قبیله همدان، از امرای معروف یمن است. وی در یاری به دیگران، سوارکاری، زیرکی و جود شهرت داشت (زرکلی، ۳/ ۱۷).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

برگشت (محلی، ۲/ ۱۹).

به سبب دوری مسافت، حاکمان عباسی تلاش زیادی برای سیطره بر یمن انجام نمی‌دادند و صرفاً به انتصاب فرمانده و استاندار بسنده می‌کردند. در دوره ضعف اعزام سپاه برای سرکوبی شورش‌ها نیز برای خلافت عباسی صرفه سیاسی و اقتصادی نداشت. فاصله زیاد یمن تا بغداد، فاصله میان منزل‌ها و آبادی‌ها، سختی مسیرهای بیابانی و کوهستانی و جلگه‌ای و کمبود منابع آب و غذا از مهمترین علل عدم توجه جدی خلفای عباسی به این منطقه بود. به این‌سبب این‌منطقه از جایگاه ویژه‌ای برای جذب مخالفان حکومت برخوردار بود. ناخرسندی عامه مردم از عباسیان، بستری مناسب و زمینه مساعد برای تشکیل قدرت‌های ناراضی محلّی در نقاط کوهستانی و صعب‌العبور ایجاد کرده بود.

با توجه به ضعف و زوال دستگاه خلافت، عباسیان که توان اعزام سپاه نداشتند، صرفاً به تحریک قبایل مخالف الهادی همچون «بنی‌یعفر» (علوی، ۲۱٦)، «اکیلیان» و «بنی‌طریف» (ابن‌عبدالحمی، ۳۷) و ایجاد ناامنی و شورش در حکومت زیدیان بسنده کردند (خضیری، ٦۸). در آن ایام تنها وابستگی قدرت‌های یمنی به خلافت عباسی، ذکر نام خلیفه بر منابر بود. از این‌رو الهادی توانست بیش از پیش از نفوذ عباسیان در یمن بکاهد (ابن‌عبدالحمید، ۳۹).

خلیفه معتمدعباسی (حک. ۲۵٦–۲۷۸) حکومت صنعا را به محمدبن یعفر وعده داده بود. با این حال او در کوه‌های شبام و کوکبان در نزدیکی صنعاء قلعه‌ای محکم ساخته و یاران زیادی جمع کرده بود و خود تهدید جدّی برای عباسیان بود[1] (زید، *معتزله الیمن*، ٤۲). تشکیل حکومت آل زیاد در یمن، قبایل دیگر را برای تأسیس حکومت‌های محلی در مناطق کوهستانی یمن به طمع انداخت (خضیری، ۱۰۳). خلفا سرگرم مقابله با قیام‌های «قرامطه» بودند و نمی‌توانستند از قبایل هم‌پیمان یمنی خود همچون «اکیلیان» حمایت کنند. اکیلیان در انتظار ارسال سپاه از سوی خلیفه برای مقابله با الهادی بودند

۱. بنویعفر با وجود استقلال و تشکیل حکومت، سال‌ها از آل زیاد، اطاعت می‌کردند و به نام آنها خطبه و سکه می‌کردند و به آنها مالیات می‌دادند (عماره یمنی، ۵۵–۵۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

که خلیفه معتضد (متوفای ۲۸۹) و مکتفی (متوفای ۲۹۵) به دلیل مشکلات داخلی و دوری یمن و نبود زمان کافی برای ارسال سپاهیان، نتوانستند به آنها یاری رسانند (علوی، ١٦؛ ابن‌محمد، ۳۳). هرچند دوری مسافت، انگیزه خلفای عباسی برای یاری رساندن و اعزام سپاهیان به یمن را می‌کاست اما نمی‌توانستند در برابر پیشروی و تشکیل حکومت زیدیه به دست الهادی سکوت کنند. خلیفه مکتفی (متوفای ۲۹۵) سپاهی به فرماندهی علی‌بن حسین معروف به «جفتم» به یمن فرستاد (ابن‌عبدالمجید، ۳۸). جفتم توسط اسعد بن ابی‌یعفر کشته شد و پس از آن خلیفه عباسی سپاهی برای سرکوبی الهادی روانه یمن نکرد (ابن‌محمد، ٣٦).

۳. تأسیس حکومت مستقل و برقراری امنیت

اصلی‌ترین و اساسی‌ترین مسئله هر حکومتی، تأمین و برقراری امنیت برای مردم و دفاعِ از حقوق آنها است. امنیت پیش‌شرط هرگونه توسعه و رفاه و ارتقای مادی و معنوی جامعه به حساب می‌آید. الهادی با روحیه استقلال‌طلبی و عدم وابستگی، به فکر تشکیل حکومت و برقراری امنیت و صلح پایدار بود (ابوزهره، ۵۵۱). او بعد از انسجام درونی یارانش، به ایجاد امنیّت در قلمرو حکومت خود پرداخت و در برقراری امنیت در حوزه‌های فردی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، اقتصادی و اعتقادی کوشید. الهادی با تلاش‌های بسیار توانست باورهای عمومی و اطاعت‌پذیری مردم را نسبت به حاکمیّت خویش تقویّت کند و درصدد بود تا با استفاده از سیاست‌های اقتصادی و امنیّتی توجّه گروه‌های فقهی، علمی و فکری جامعه و اهل‌ذمّه را به خود جلب کند (شرف‌الدین، *تاریخ الیمن الثقافی*، ٤/ ۲۲۵). الهادی در نامه‌ها و سخنرانی‌ها برای مردم، آنها را به جهاد دعوت می‌کرد (ابن‌محمد، ۱۰) و کارگزارانی را به مناطق مختلف می‌فرستاد، تا با دعوت از سایر قبایل به جهاد و اخذ خراج، درآمدهای حکومت نوپای خود را افزایش دهد (علوی، ٤٣).

پیروان زیدیه معتقدند که امام و رهبر جامعه باید فردی عالم به کتاب و سنت پیامبرﷺ و همچنین دارای سجایای اخلاقی و با تقوا و شجاع باشد و نسبت به مردم با عدالت برخورد کند (علوی، ۳۳). او در برابر حاکم ظالم و ستمگر ایستادگی و قیام

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

کند (ابن‌مرتضی، ۱/ ٤٠). در اندیشه زیدیه دعوت یکی از راه‌های شناخت امام و تثبیت امامت است و به آیه ۳۳ سوره فصلت: «گفتار چه کسی بهتر است از آن‌کس که دعوت به سوی خدا می‌کند و عمل صالح انجام می‌دهد»[1] و آیه ١٠٤ سوره آل عمران: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند»[2] برای اثبات مدعای خود مبنی بر دعوت، استدلال می‌کردند (اشعری، ۲/ ۱۲۵؛ زید، *معتزلة‌الیمن*، ۳۵– ۳۷).

الهادی درصدد بود تا با بیان احکام اسلامی و شرح اصول دین، حکومت دینی تشکیل داده و جایگاه خود را به عنوان امام تثبیت کند. بعد از تأسیس حکومت زیدیه بخش زیادی از یمن از قلمرو حکومت عباسیان خارج شد. مردم یمن از جمله مردم صعده در سال ۲۸۸ با الهادی به عنوان امام بیعت کردند (ابن‌محمد، ۱۸) و نام او را بر منابر «امیرالمؤمنین» خواندند و سکّه به نام او ضرب شد. (زرکلی، ۸/ ١٤١). این عمل نشانه اعلام استقلال او از حاکمیت وقت بود و چنان آوازه حکومتش گسترده شد که حاکم مکّه نیز از طرفداران او شد و به مدّت هفت سال به نامش خطبه خواند (همان، ١٤٢). تلاش الهادی برای رسیدن به امامت و تشکیل حکومت در نامه‌ها و سخنانش نیز مشهود است: «سوگند به خداوندی که جز او خدایی نیست و به حقّ پیامبرﷺ که این حکومت را از روی اختیار نخواستم و چون حجّت بر من تمام شده بود، به ناچار قبول کردم» (علوی، ٤٩) و نیز می‌گوید: «به خدا سوگند دوست داشتم خداوند به وسیله من اسلام را سامان بخشد و من دست به ستاره پروین داشتم، آنگاه بر زمین فرود آمد، پس دعوت من دعوت جاهلی نیست» (همانجا). همچنین الهادی در بیان وظایف امام می‌گوید: «امام باید با ظالمان و ستمگران مبارزه کرده و با شمشیر قیام کند، هرچند خود را در معرض خطر گذارد، امام باید پرچم حقّ را برافرازد و از حقوق مردم دفاع کند و با مردم به نیکی و نرمی و مهربانی رفتار کند و حقّ مظلوم را از ظالم پس گیرد و بیت‌المال را با عدالت در جهت مصالح مردم هزینه کند و آنها را مجبور به کاری نکند و

۱. «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّن دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا».
۲. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

مجری احکام الاهی در بین آنها باشد» (الهادی، ۵۰۸).

الهادی برای ایجاد امنیت، فرماندهان و کارگزارانی برای اداره امور به مناطق تحت سیطره‌اش گسیل کرد تا ضمن حفظ امنیت، سپاه نیرومندی گردآورند (علوی، ٤٣). او با کسانی که صلح را نمی‌پذیرفتند، با شدّت برخورد می‌کرد و با شورشیان می‌جنگید (ابن‌محمد، ۱۳). الهادی دستور داد خانه‌های قبایل «وداعه»[1] و «ربیعه»[2] تخریب و درختان میوه و نخل‌هایشان قطع شود (علوی، ۹۰؛ ابن‌محمد، ۱۳، ۲۰). او با «قرمطیان» و دیگر «باطنیان» پیوسته در جنگ بود. گزارش شده که در بیشتر ۷۳ باری که به جنگ آنها رفته شخصاً جنگ را رهبری می‌کرد (شرف‌الدین، *تاریخ الیمن الثقافی*، ٤/ ۲۲۸، ۲۲۹).

الهادی با کسب اقتدار سیاسی و معنوی توانست با تلاش بسیار و جنگ‌های طاقت‌فرسا، امنیت و صلح را در بخشی از مناطق وسیع یمن برقرار کند و به برخی از جنگ‌های طولانی میان قبایل صعده و اطراف آن پایان بخشد (علوی، ٤٢). دستاورد سیاسی الهادی در تشکیل و تثبیت حکومت، گامی جدید در تاریخ حکومت زیدیه به شمار می‌رود. دوران اوّلیه تشکیل حکومت الهادی با آشفتگی و شورش قبایل همراه بود و علی‌رغم آن شورش‌ها توانست صنعا را از اسعدبن ابی‌یعفر خارج کند (سرور، ٦٢) و مرزهای حکومتش را از شمال تا نجران و از جنوب تا عدن گسترش دهد.

٤. برقراری صلح میان قبائل

قبایل از ارکان مهّم ساختار اجتماعی و سیاسی یمن بودند و در طول تاریخ نقش مهّمی در تحوّلات سیاسی یمن ایفا کردند. رقابت‌های قبایل ساکن در یمن، نقش تعیین کننده در چالش‌های سیاسی ادوار حکومت زیدیان داشته است. امامان زیدی با هدف کسب حاکمیّت و اقتدار و حفظ موجودیّت سیاسی و مذهبی برای ایجاد صلح و آرامش و تعامل بین قبایل تلاش می‌کردند. الهادی به گذشت و عفو و تسامح معروف بود

۱. قبیله وداعه: در روستای شوکان از توابع نجران ساکن هستند (همدانی، *صفة‌جزیرة‌العرب*، ۲۸۳، ١٦٤).

۲. بنی‌حارث‌بن کعب: قبیله عرب قحطانی یمانی از فرزندان حارث‌بن کعب‌بن عمروبن عُلَه‌بن جَلدبن مالک (مَذحِج) که نسب آنان به نیای بزرگشان یَعرب‌بن قحطان می‌رسد (ابن‌حزم، ۱/ ٤٤٧).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

(واسعی، ۲۱). او برای تثبیت حکومت و حفظ قدرت، در صعده دست به اصلاحات سیاسی، امنیتی و فرهنگی زد. بعد از فراخوان الهادی به قبایل یمنی برای صلح و آشتی، قبیله‌هایی نظیر احلاف[۱]، شاکر[۲]، ثقیف[۳]، وادعه، یام[۴] و نیز جمعی از بنی‌حارث با الهادی بیعت کردند (علوی، ٦٦). الهادی با توجّه به مشکلات اقتصادی، مالیات، زکات و صدقات برخی قبایل را بخشید تا اعتماد قبایل را جلب کند (ابن‌محمد، ۱۰). الهادی همچنین برای فرونشاندن تحرکات قبایل مخالف مانند اکیلیان و فطیمیان با آنها صلح کرد (حسنی، ۱۳). او در سال ۲۸٤ به سوی نجران حرکت کرد (همان، ٦٦) و مسائل اختلافی مانند قتل و غارت و تخریب خانه‌ها و مزارع را که بین بنی‌حارث و قبایل اطراف از جمله شاکر و احلاف رخ داده بود (همان، ٦٨) با صلح و سازش برطرف کرد (ابن‌محمد، ۱۱). الهادی در سال ۲۸۵ با سپاهش به سوی جنگ با دُعام‌بن ابراهیم[۵] و فرزندش ارحب‌بن دعام رفت (علوی، ۹۹). الهادی در روستای خرفان[۶] با قبیله سبیع از نزدیکان دعام، برخورد کرد. مردم روستا از وحشت خانه‌های خود را رها کرده و به کوه‌ها پناه برده بودند. الهادی آنان را به صلح و بیعت دعوت کرد و برای آنها امان‌نامه فرستاد (علوی، ۲۱۸).

روش مذاکره الهادی نیز با تأسی از قرآن[۷] و روش حکومتداری پیامبرﷺ و امامان معصومعلیهم‌السلام بر اساس مکاتبه، گفتگو تا رسیدن به توافق بر سر مسائل مورد اختلاف بود. نامه‌نگاری‌هایی الهادی با رؤسای قبایل و مردم حاکی از روابط مسالمت‌آمیز او در ایجاد

۱. احلاف: از قبایل بنی‌جماع در صعده بود (حجری، ۱۹).

۲. شاکر: از قبایل همدان و از اولاد شاکر بن ربیعةبن مالک هستند (همدانی، الاکلیل، ۱۰/ ۲۳۷).

۳. ثقیف: از قبایل مشهور و نیرومند و پرجمعیت عرب بود که مردمش در طائف سکونت داشتند و دو طائفه مهم به نام‌های احلاف و بنی‌مالک داشت (ابن‌عنبه، ٦٥) که جنگ‌ها و نبردهای داخلی بسیاری بین آنها روی داده بود (کحاله، ۱/ ۱٤۷).

۴. یام: از قبایل همدان و شاخه‌ای از ابوالعشیره یامی است (همدانی، *صفةجزیرةالعرب*، ۱۰،/ ۷۳– ٦٨).

۵. دعام در سال‌های ۲۸۱ تا ۲۸۵ توانست بر قبیله بنی‌یعفر مسلط شود و صنعا را فتح کند. بعد از آن الهادی توانست صنعا را از دست او خارج و بر اوضاع صنعا مسلط شود (همدانی، *الاکلیل*، ٦۷، ۱۷٦).

۶. از روستاهای یمن است.

۷. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ: در حقیقت مؤمنان با هم برادرند، پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید. امید که مورد رحمت قرار گیرید» (حجرات، ۱۰).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

صلح و سازش و دوستی با مخالفان است (ابن‌محمد، ۱۰؛ ابن محمد، *غایه الامانی*، ۱٦۸). الهادی برای جلوگیری از خونریزی و اتلاف سرمایه‌های مادی و انسانی، میانجیگری می‌کرد و تا حد امکان به میانجیگری‌های دیگران جواب مثبت می‌داد. برای مثال نزاع دیرینه میان قبایل خولانی[1] و سلمانی را به صلح و آشتی رساند (ابن‌محمد، ۱۹) و نیز چالش‌های بین قبایل بنی‌ربیعه و گروهی از سبیع[2] را حلّ و فصل کرد (علوی، ۱۲٦).

۵. همگرایی و تفاهم با ادیان

همگرایی با ادیان یمنی نظیر یهودیان و مسیحیان نجران از سیاست‌های الهادی در اداره حکومت بود (بروکلمان، ۲۲۸). چرا که مناسبات میان حکومت و اقلیت‌های دینی و مذهبی و ایجاد همگرایی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، از رقابت‌ها و تنازعات می‌کاست و نیز به رسمیت شناختن اختلاف و تنوع عقیده، اختلاف‌های فرهنگی و مذهبی را رفع کرده و موجب وحدت و همگرایی می‌شد. الهادی برای توسعه و بهبود روابط بین ادیان یهود و نصارا و بهره‌گیری از این فرصت جهت ایجاد صلح و امنیت همراه با همزیستی مسالمت‌آمیز، احکام و ضوابط خاصّی را در قالب دستورات شرعی صادر کرد و همه پیروان خود را به حسن معاشرت و رفتار انسان‌دوستانه فراخواند. الهادی بعد از استقرار حکومتش، به تدبیر امور پرداخت و با مسیحیان ساکن در نجران (ابن‌قاسم، ۱٦۸) پیمان بست و ضمن قراردادی مقرّر کرد تا «یک نهم» از غلّه زمین‌های کشاورزی که قبلاً از مسلمانان خریدند را بپردازند. آنها حقّ ندارند از مسلمانان زمین بخرند و اگر پس از فتح اسلام زمینی خریده باشند، باید به صاحبان مسلمانشان بازگردانند و نیز زمین‌هایی که در زمان جاهلیّت از نیاکان خود به ارث بردند، همچنان در اختیار داشته باشند. سپس بر آنان جزیه بست (علوی، ۷٦-۷۷) و دستور داد چهل و

۱. خولان: نام قبیله‌ی قحطانی ساکن در یمن است که نسب این قبیله به «کهلان‌بن سبا» یا «قضاعه» می‌رسد (ابن‌اثیر، ٤۷۲/۱؛ ابن‌عبدالبر، ۱۳۷).

۲. سبیع: نام گروهی از قبیله همدان است که از فرزندان «عبدعباد سقل» و نسب آنها به «سبیع‌بن صعب‌بن معاویه» می‌رسد (ابن‌حزم، ۱/ ٤۷۵)؛ گروهی از سبیع نیز در کوفه ساکن شدند و محله‌ای به نام آنان منسوب است (سمعانی، ۳/ ۲۱۸).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

هشت درهم برای اشراف و بیست و چهار درهم برای طبقه متوسط و دوازده درهم برای فقرا و ضعفا پرداخت شود، تا از حمایت مسلمانان برخوردار شوند (همان، ۷۲-۷٦).

هدف الهادی این بود تا بدون پایمال کردن حقوق اهل‌کتاب، زمین‌های مسلمانان را پس بگیرد و راه‌هایی را که منجر به وابستگی مسلمانان به اهل‌ذمّه شود را مسدود سازد. به همین سبب او واجب کرد تا همه بردگان مسلمان، از پول بیت‌المال و یا زکات خریداری و آزاد شوند (شرف‌الدین، *تاریخ الفکر الاسلامی فی‌الیمن*، ٤/ ۲۲۸، ۲۲۹). وی همچنین در سالی که خشک‌سالی[1] و ناامنی و گرانی شیوع پیدا کرده بود (هارونی، ۳۷)، زنان مسیحی و یهودی را از پرداخت هرگونه جزیه و مالیات معاف کرد (الهادی، ٦۲۲) و به اهل ذمّه گفته بود اگر کسی آزارشان داد، به او اطلاع دهند تا به شکایات ومشکلات آنان رسیدگی شود (علوی، ۳۸۸).

الهادی با عمل به آیات قرآن[2] و تأسی از پیامبرﷺ، به دنبال رابطه صلح‌آمیز و آشتی‌جویانه با پیروان سایر ادیان بود. او علاوه‌بر دعوت به مسالمت با ادیان، به دنبال نقاط مشترک و تلاش جهت رسیدن به تفاهم با پیروان ادیان بود.

٦. خصوصیات اخلاقی و اعتقادی الهادی

الف: خصوصیات اخلاقی

گذشته از عوامل زمینه‌ساز تشکیل حکومت توسط الهادی، شخصیّت و روحیّه الهادی یکی از عوامل تأثیرگذار و پیش‌برنده در تثبیت حکومتش بود. الهادی دارای روحیّه اجتماعی در ارتباط با توده مردم بود. او با خصوصیّات اخلاقی نظیر زهد، تقوا و عدالت‌خواهی و با بهره‌برداری از روایات منتسب[3] به پیامبراکرمﷺ در مورد «شخصی

۱. با توجه به منابع خشکسالی در سال‌های ۲۸۰ تا ۲۸٤ رخ داده بود.

۲. «بگو: ای اهل کتاب! بیایید به سخنی که میان ما و شما یکسان است تکیه کنیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و برخی از ما بعضی دیگر را به خدایی نگیرد. پس اگر از این پیشنهاد سر باز زدند و اعراض کردند، بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم، نه شما» (آل عمران/٦٤).

۳. پیامبرﷺ فرمودند: «او همان کسی است که اسلام را در سرزمین یمن نشر می‌دهد، بعد از آنکه ظلمات کفر در آنجا متراکم می‌شود و امواج الحاد در آنجا متلاطم می‌گردد»؛ در روایتی دیگر با دست به سوی یمن اشاره کرده ←

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

از فرزندانش که در یمن قیام می‌کند» (محلّی، ۲/ ۲۵) مشروعیت خود را تضمین کـرده بود (صعدی، ۱۷۷). الهادی با احیـای ارزش‌هـای دینـی-مـذهبی و تأسـی از روایـات پیامبرﷺ، شخصیتی «کاریزماتیک» از خود نشان داد و در میان مردم نفوذ کرد. برخـی منابع تاریخی شخصیت وی را مهربان و قوی‌الجثه ترسیم کرده‌انـد (ابـن‌فنـد، ۵۷۳/۲). الهادی با روحیّه جهادی و ظلم‌ستیزی موفق شد اقتدار عباسـیان را در منطقـه یمـن بـه چالش بکشاند. وی امور و شـئون زنـدگی مـردم را بـر اسـاس عـدالت و ارزش‌هـای اسلامی، تدبیر و اداره می‌کرد و توانست با قیام به سیف و تأسیس حکومت، جامعـه را از انحراف، ظلم، وابستگی و نیرنگ، پاکسازی کند. الهادی با شجاعت و اقتدار به دنبال تشکیل حکومت بود و خود را صاحب حقّ می‌دانست، چرا که به نظر او حکومت ارث به جای مانده از پیامبراکرمﷺ بود (محلّی، ۲/ ۲۳۹).

ب: خصوصیات اعتقادی

الهادی در مباحث علمی مانند تفسیر، فقه و کـلام صـاحب‌نظـر بـود و کتـاب‌هـای بسیاری تألیف کرده بود.[1] قرن سوّم شروع فعالیّت و تکاپوی علمی امامان زیدیه اسـت. هرچند الهادی در آن دوره در حال جنگ و حکومت‌داری بود، امّا با این همه دسـت از تألیف کتب علمی برنداشت. الهادی با تألیف کتاب‌های فراوان دیـدگاه‌هـای پـدربزرگ خود را دوباره تبیین کرد و میراث فکری شامل تألیفات و مکاتبات، از خـود بـه جـای گذاشت که محور اندیشه و تفکر زیدیه تا اواخر قـرن پـنجم محسـوب مـی‌شـود. وی متفکری اندیشمند و سیاست‌مدار و دارای راهبـرد بـود و بـا توجّـه بـه مجموعـه بلنـد تألیفات و رسائل، که حاکی از آگاهی مذهبی و سیاسی اوست و با تأثیرپذیری از بخشی از افکار و عقاید قاسم‌رسّی، توانست مذهبی متمایز و نوینی بـه نـام «هادویـه» تأسـیس

فرمودند: «مردی از فرزندانم به نام یحیی الهادی امربه معروف و نهی از منکر می‌کند، با او حقّ زنده می‌شود» (محلّی، ۲/ ۲۵)؛ و در روایتی فرمودند: «هر کس یمنی‌ها را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کـه بـا آنهـا کینه‌ورزی کند با من کینه ورزیده است» (ابن‌بابویه، ۲/ ۵٤۱).

۱. زیدی‌ها معتقدند کسی که در فقه و دیگر رشته‌های مهّم علمی در سطح پائین باشد و یـا مشـهور بـه رذایـل اخلاقی باشد، نمی‌توان او را امام دانست. امام باید در ردیف دانشمندان بـزرگ عصـر خـود باشـد، اگـر چـه داناترین آنها نباشد (حمیری، ۱۵۱).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

کند.[1] الهادی علی‌رغم چالش‌ها و نبردهای متعدد داخلی، دست از تألیف برنداشت و با میراث گران‌بهایی از تألیفات و رسائل گوناگون (شرف‌الدین، *تاریخ الفکر الاسلامی فی‌الیمن*، ۲۱۱) و فعالیت علمی، ارکان فرهنگی حاکمیّت خویش را کامل کرد.

از آثار وی می‌توان به: *اصول الدین*، *المنتخب*، *تثبیت الامامة*، *الفنون* و *تفسیر قرآن* اشاره کرد. فهرست بلند تألیفات، حکایت از توانمندی علمی او دارد. مجموعه رسائل به‌جا مانده از یحیی‌بن حسین در مجموعه‌ای با عنوان *مجموع رسائل الامام الهادي الي الحق القويم* به چاپ رسیده است؛ در این مجموعه حدود سی و هشت رساله و جواب‌های الهادی[2] جمع‌آوری شده‌است (ابن‌ندیم، ۲۷٤؛ محلّی، ۲/ ۲۹).

سیاست امامان زیدی برای جذب مردم، ترویج علنی فرائض دینی- مذهبی و احیای سنّت پیامبر اکرمﷺ بود. الهادی در حکومت‌داری از سیره پیامبراکرمﷺ تأسّی می‌کرد و توجّه ویژه به احکام حلال و حرام،[3] اجرای حدود الهی، امر به معروف و نهی از منکر داشت. حضور در عبادات جمعی مانند نماز جماعت، نشان از رویکرد اعتقادی و مذهبی الهادی دارد. الهادی پس از رسیدن به شهر صعده طی نامه‌ای، مردم را به جهاد دعوت کرد (ابن‌محمد، ۱۰) و اصول دین، معرفت خداوند و مباحث توحید، عدل، وعد و وعید، امر به معروف و نهی از منکر و قیام با امامان اهل‌بیتعليهم‌السلام را برای مردم تشریح کرد (صبحی، ۱٤۰). او در این نامه، خطاب به مردم گفت: «ای مردم! شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرﷺ و امر به معروف و نهی از منکر و به آنچه خدا من را به آن امر کرده، دعوت می‌کنم. من چهار شرط برای خود قرار می‌دهم. اول، به کتاب خدا و سنت پیامبرﷺ حکم کنم. دوم، پیروانم را بر خود مقدم دارم و برآنان برتری نجویم. سوم، آنان را در مقرری بر خود مقدم دارم. چهارم، هنگام جنگ در پیشاپیش آنان باشم. حال

۱. عقاید الهادی با قاسم رسی متفاوت بود. برای نمونه الهادی تمام اصول معتزلی را پذیرفت و به جای اصل منزله بین المنزلتین، اصل امامت را جایگزین کرد. اما قاسم رسی، تأثیر کمتری از معتزله پذیرفت و با جایگزینی کتاب و سنت به جای منزله بین المنزلتین، اختلاف میان زیدیه و معتزله را بیشتر کرد (عارف، ۱۹- ۲۳).

۲. از رسائل قابل توجه در این مجموعه رد مجبره، رد تحریف قرآن، تأیید منزلة بین منزلتین معتزله، رد حسن بن محمدبن حنفیه در جبر، ادله امامت امام علیعليه‌السلام و عصمت انبیاء است.

۳. محلّی در *حدائق‌الوردیه فی مناقب ائمه الزیدیه* آورده است: «الهادی در سن هفده سالگی تألیف را آغاز کرد و کتاب *الاحکام فی‌الحلال والحرام* را در موضوعات گوناگون فقهی نگاشت» (محلّی، ۲/ ۱۵).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

در مقابل این شروط یک شرط دارم. تا هنگامی که خدا را اطاعت می‌کنم در آشکار و پنهان از من اطاعت کنید، به خدا سوگند تا هنگامی که مرا اطاعت کنید، چیزی از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله مفقود نشده مگر جسمش و اگر از اوامر الهی و رسولش مخالفت کردم، دیگر از من تبعیت نکنید» (الهادی، ۵۳۱ ؛ علوی، ۴۸- ۴۹). از این نامه معلوم می‌شود که انگیزه‌ی الهادی، حفظ شعائر دینی بوده و خود را پرچم‌دار احیای سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌دانسته است. الهادی نمازهای خود را در مسجد می‌خواند و مردم را موعظه می‌کرد (علوی، ۳۸٦). او زنان را به حجاب (الهادی، ۱۰)، بستن نقاب و روپوش امر می‌کرد (علوی، ۱۲٦). الهادی مسجد را محل بستری بیماران و مجروحان قرار داد و برای عیادت به آنان سرکشی می‌کرد (هارونی، ۱٤۵). او پس از آن به کارگزاران و والیان خود در شهرها دستور داد، امر به معروف کنند و علاوه بر اصول دین و ولایت اهل‌بیت علیهم السلام، به مردم نماز و قرآن بیاموزند (الهادی، ۵٤۲؛ علوی، ٤٤- ٤۵؛ ابن‌محمد، ۳۸٦).

۷. قرابت اعتقادی ـ فکری به امامیه و معتزله

نقش سیاسی و اجتماعی امامیه در طول تاریخ از اهمیت و ارزش فراوانی برخوردار است. امامیه به سبب دارا بودن احادیث اهل‌بیت علیهم السلام، از فرهنگ غنی و سرمایه گران‌بهایی برخوردار بود. زیدیه به دلیل عمل‌گرا بودن، در ابتدای دوره شکل‌گیری کمتر به مباحث فرهنگی-اعتقادی پرداختند. در آن زمان ارتباط زیدیه با امامیه و معتزله برقرار شد و این ارتباط با وجود فراز و نشیب‌هایی از قرن دوّم تا پنجم حفظ شد. نخستین مرحله این ارتباط را باید در روابط زیدبن علی (متوفای ۱۲۲) و واصل‌بن عطا[1] (متوفای ۱۳۱) بنیانگذار مکتب اعتزال جستجو کرد. زیدیه در اصول اعتقادی معتزلی و در فقه

۱. ابوحذیفه واصل‌بن عطا معروف به غزّال به سال ۸۰ هجری در مدینه متولد شد. واصل بر این عقیده بود که مرتکب کبیره را نمی‌توان کافر خواند چون او به توحید اقرار کرده و برخی صفات حمیده را نیز داراست، بلکه فاسق است و فسق حد وسط میان ایمان و کفر است و چون در قیامت انسان‌ها یا اهل شقاوتند و یا سعادت، فاسق اگر بدون توبه بمیرد، در دوزخ مخلّد خواهد بود. این نظریه به «منزلة بین المنزلتین» شهرت یافت (شهرستانی، ۳۸ – ٤۰). این اختلاف موجب کناره‌گیری واصل و پیروانش از حسن بصری شد، از این رو معتزله نامیده شدند (مقدسی، ۵/ ۱٤۲- ۱٤۳).

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

حنفی مسلک هستند (مقالح، ١٦). علت نزدیکی الهادی به حنفیان به عمل‌گرایی زیدیه برمی‌گردد. امامیه به سیاست‌های فرهنگی اعتقاد داشتند و از قیام‌ها و پدیده‌های کم‌دوام سیاسی که نتیجه‌ای جز سرکوب نیروهای معترض نداشت، فاصله می‌گرفتند از این‌رو به تقیّه و فعالیّت فرهنگی روی آوردند. اما زیدیه در مواجهه با عمّال ظلم قیام به شمشیر را به عنوان هدف برگزیدند و به همین خاطر در عرصه فرهنگی مجبور شدند از مکتب اعتزال بهره گیرند تا جائی‌که برخی، زیدیه را با معتزله یکی دانسته (ملطی، ٣٤-٣٥) و برخی نیز معتزله را از فرق زیدیه شمرده‌اند (احمدعبدالله، ٦٦).

الهادی پس از ورود به یمن (٢٨٤) با اقدامات علمی و فرهنگی، زیدیه را در مسیر رشد و تکامل قرار داد و با ثبیت مبانی فکری زیدیه که در بخشی از عقاید و اندیشه‌ها وام‌دار جدّ خود «قاسم‌رسّی» بود (حسنی، ٥٦٧)، کوشید مبانی و اصول اعتقادی را بیش از پیش به امامیه نزدیک کند. رویکرد الهادی در مواجه با تفکر دینی، عقلی و نقلی بود، اما بیشتر تحت تأثیر معتزله و عقل‌گرایی بود و در آثارش از استدلال‌های عقلی به وفور استفاده می‌کرد.

دیدگاه الهادی در اصول دین چندان تفاوتی با امامیه ندارد. او بعد از اعتقاد به حسن و قبح عقلی، به دو اصل توحید و عدل به عنوان اصول اعتقادی پایبند است و بر اساس آن هرگونه تشبیه و تجسیم را نفی کرده و خدا را عادل می‌داند (الهادی، ١٥٠- ١٨٠). الهادی با ارتقا دادن اصل «امامت» در حدّ یکی از اصول دین، آن را به جای اصل «المنزله بین المنزلتین» در مکتب اعتزال جایگزین کرد (زید، *تیارات المعتزله الیمن فی‌القرن السادس الهجری*، ١٥٨). او برای احراز مقام امامت شروطی تکمیلی همچون دعوت علنی، خروج با شمشیر، عمل به کتاب و سنّت، اعلم بودن، از فرزندان امام‌حسن و امام‌حسین علیهما‌السلام (زید، *معتزله الیمن*، ١٨٢)، آمر به معروف و ناهی از منکر بودن (زید، همان، ١٥٧)، شجاعت، سخاوت، تقوا، تواضع و عدالت را مطرح کرده بود (اکوع، ٦٨).

الهادی در اوایل جوانی تحت تأثیر اندیشه معتزله بود و در کتاب *المنزله‌بین المنزلتین* اصول دین را بر اساس عقاید معتزله آورده، اما پس از تشکیل حکومت در یمن، تغییر رویه داده و بر اساس تفکرات و اندیشه شیعه امامیه، اصل امامت را جایگزین اصل منزله بین المنزلتین کرد (زید، *معتزله الیمن*، ١٥٨). به عقیده الهادی امامت منصبی است

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

که از جانب خداوند عطا می‌شود و انتخاب مردم در آن دخالتی ندارد (احمدعبدالله، ۷۰؛ عماره، ۸۳). علاوه براین به جای اصل امر به معروف و نهی از منکر، اصل نبوت را جایگزین کرد. تغییر اصول معتزلی به جایگزینی اصول امامیه به معنای دست کشیدن الهادی از اعتقاد به آن نیست، بلکه به معنای جایگزینی آن با اصولی مهم‌تر است.

بعد از قرن سوّم با انسجام و شکل‌گیری زیدیه، جریان‌های موسوم به «قاسمیه»، «هادویه» و «ناصریه» در امتداد جریان نزدیک به «امامیه»، به داد و ستد فرهنگی مشغول بودند. این داد و ستد که بیشتر بر محور امامت و احکام فقهی بود و دلایلی برای مشروعیت یا عدم‌مشروعیت امامان خود ذکر می‌کردند، زمینه مناسبی برای رشد مباحث فرهنگی، کلامی و فقهی در میان زیدیان و امامیه شد (انصاری، ۱۵۱).

نتیجه

مهم‌ترین عوامل پیش‌برنده و شتاب‌دهنده حکومت الهادی ریشه در دوران ضعف و افول حکومت عباسیان دارد. الهادی با شناخت موقعیت زمانی و مکانی منطقه یمن، از جمله بررسی وضع سیاسی خلافت عباسی و دور بودن یمن از مرکز خلافت عباسی، پس از ایجاد امنیت و صلح و سازش با برخی قبایل یمنی و همگرایی بین ادیان نظیر یهود و نصارا، توانست هر چند کوتاه بر بخش‌های وسیعی از صنعا و صعده با اقتدار حکم‌رانی کند. الهادی با استفاده از موقعیت جغرافیایی یمن توانست حکومت زیدیه یمن را تأسیس و تثبیت کنند. وی با عنوان «منجی یمن» وارد صنعا شد و توانست پس از ورود، با وجود مشکلات بسیاری اعم از قحطی، خشکسالی و گرانی و نیز جنگ‌های متعدد داخلی و بین‌قبیله‌ای، میان قبایل یمنی اتحاد و صلح برقرار کرده و از نفوذ عباسیان و قرمطیان و اسماعیلیان در آن منطقه بکاهد. الهادی با دارا بودن شخصیت کاریزماتیک و رهبری فکری، عقیدتی و سیاسی و با داشتن روحیه انقلابی و خصوصیات و سجایای اخلاقی، علی‌رغم چالش‌ها و نبردهای متعدد داخلی، دست از فعالیت فرهنگی و تألیف برنداشت و با آگاهی و شناخت دقیق فرصت‌ها و تهدیدها، راهبردهای متناسب جهت افزایش حضور تأثیرگذار در یمن اتخاذ کرد. او با تألیفات و رسائل گوناگون و فعالیت علمی، ارکان فرهنگی حاکمیّت خویش را کامل کرد.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

در این مقاله نشان داده شد که الهـادی بـه عنـوان امـام و فرمانـده بـرای رهـایی از ضعف‌ها و برون رفت از بحران‌ها به راهبردهایی همچون برقراری صلح و سازش میان قبائل، همگرایی با ادیان و تلاش برای ایجاد آرامش و امنیت نیـاز داشـت تـا جامعـه و مردم را از خطرات و آسیب‌های سیاسی و فرهنگی حفظ کند. همچنین نشان داده شـد برای اداره کردن جامعه‌ای که قبیله‌گرایی، جنگ و خونریزی بر آن چیره شده و غارت و انتقـام‌جـویی جـایگزین امنیـت و نظـم شـده، مـی‌تـوان بـا تأسـی از قـرآن و روش حکومت‌داری پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله و امامان معصوم علیهم‌السلام، بر دل‌های مـردم نفـوذ کـرد و بـا اجـرا کردن احکام اسلامی و اعتقاد به اصول اعتقـادی، حکومـت دینـی بـا معیارهـای شـیعه تشکیل داد.

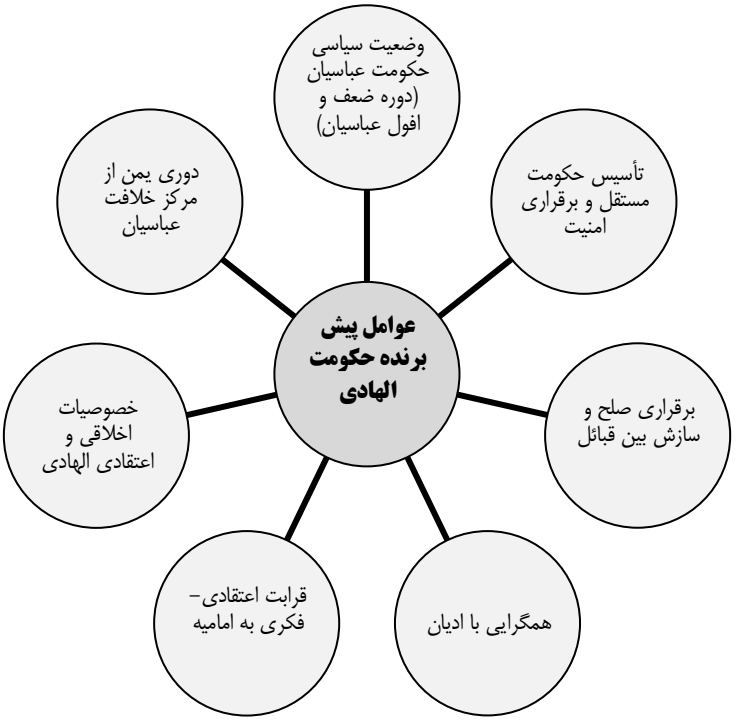

(نمودار: برخی عوامل پیش‌برنده و صعود حکومت الهادی)

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

منابع

ـ *قرآن کریم*، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، چ۲، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب، ۱۳۸۵ش.

ـ ابن‌اثیر، علی‌بن محمد، *اللباب فی تهذیب الانساب*، بیروت، دارصادر، ١٤١٤ق.

ـ ابن‌بابویه قمی، محمدبن علی(شیخ‌صدوق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، مترجم محمدباقر کمره‌ای، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۷ش.

ـ ابن‌حزم، علی‌بن محمد، *جمهرة انساب العرب*، بیروت، چاپ عبدالسلام محمد هارون، ١٤٠٣ق.

ـ ابن‌خلدون، عبدالرحمن، *المقدمه*، مصحح سهیل ذکار، بیروت، دارالفکر، ١٤٠٨ق.

ـ ابن‌عبدالبر، *الانباه علی قبائل الرواه*، بیروت، چاپ ابراهیم ابیاری، ١٤٠٥ق.

ـ ابن‌عبدالحمید، تاج الدین عبدالباقی یمانی، *بهجه الزمن فی تاریخ الیمن*، محقق مصطفی حجازی، قاهره، بی‌نا، ١٩٦٥م.

ـ ابن‌عنبه، جمال الدین احمد، *الفصول الفخریه*، تهران، چاپ جلال الدین محدث ارموی، ١٣٦٣ش.

ـ ابن‌فند، محمدبن علی‌بن یونس، *مآثرالأبرار فی تفصیل مجملات جواهر الأخیار*، تحقیق عبدالسلام عباس الوحیه، چ۱، صنعا، دارالامام زیدبن‌علی الثقافه النشر، ۲۰۰۲م.

ـ ابن‌قاسم، یحیی‌بن حسین‌بن قاسم‌بن محمدبن علی، *غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی*، به کوشش سعید عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیاده، قاهره، بی‌نا، ١٣٨٨ق.

ـ ابن‌محمد، یحیی‌بن حسین‌بن قاسم، *انباء الزمن فی تاریخ الیمن*، مصحح محمدعبدالله ماضی، مکتبة الثقافیة الدینیة، محقق محمد عبدالله ماضی، برلین، لیبتسج، ١٩٣٦م.

ـ ــــــــــــــــــــــــ ، *غایة الامانی فی اخبار القطر الیمانی*، به کوشش سعید عبدالفتاح عاشور و محمد مصطفی زیاده، قاهره، بی‌نا، ١٣٨٨ق.

ـ ابن‌مرتضی، احمدبن یحیی، *البحر الزخار لجامع المذاهب علي الامصادر*، محقق محمد تامر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۱م.

ـ ابن‌ندیم، محمدبن اسحاق، *الفهرست*، مترجم محمدرضا تجدد، تهران، امیرکبیر،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]

[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

۱۳٦٦ش.
ـ ابوزهره، محمد، *الامام زید*، قاهره، دارالمعارف، ۱۹۵۹م.
ـ احمدعبدالله، عارف، *الصله بین الزیدیه والمعتزله*، بیروت، دارالنبوغ، ١٤١٥ق.
ـ اشعری، ابوالحسن علی‌بن اسماعیل، *مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین*، مصحح هلموت ریتر، بی‌جا، بی‌نا، ١٤٠٠ق.
ـ اکوع، قاضی اسماعیل‌بن علی، *الزیدیه نشاتها و معتقداتها*، چ۳، دمشق، دارالفکر، ١٤١٨ق.
ـ انصاری، حسن، *زیدیه و منابع مکتوب امامیه*، فصلنامه علوم حدیث، قم، ۱۳۸۰ش.
ـ بروکلمان، کارل، *تاریخ الشعوب الاسلامیه*، مترجم نبیه امین فارس و منیر البعلبکی، بیروت، بی‌جا، بی‌نا، ١٩٨٤م.
ـ بکری، عبدالله‌بن عبدالعزیز، المسالک و الممالک، تونس، ادریان فان لیوفن، ۱۹۹۲م.
ـ جان‌احمدی، فاطمه، «تاریخ سیاسی و خدمات فقهی آل‌رسی در یمن»، فصلنامه پژوهش‌های تاریخی، سال ۵، ش۱۹، ۱۳۹۲.
ـ حجری، محمدبن احمد، *مجموع بلدان الیمن و قبائلها*، قاهره، دارالکتب المصریه، بی‌تا.
ـ حسنی، ابوالعباس احمدبن ابراهیم‌بن الحسن، *المصابیح*، نسخه خطی ش ۸۱، صنعا، کتابخانه جامع کبیر، بی‌تا.
ـ حمادی، محمدبن مالک‌بن ابی‌الفضایل الیمانی، *کشف اسرار الباطنیه و اخبار القرامطه*، محقق محمد زاهد کوثری، قاهره، مکتبه الخانجی، ۱۹۵۵م.
ـ حمیری، نشوان‌بن سعید، *الحورالعین*، مصحح مصطفی کمال، چ۱، قاهره، مکتبه الخانجی، ١٣٦٧ق.
ـ خضیری احمد، حسن، *دولت زیدیه در یمن*، مترجم احمد بادکوبه هزاوه، چ۳، تهران، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۱ش.
ـ خواندمیر، غیاث الدین‌بن همام الدین، *تاریخ الحبیب السیر فی اخبار افراد بشر*، تهران، خیام، ۱۳۸۰ق.
ـ زرکلی، خیرالدین، *الاعلام قاموس تراجم لاشهر الرجال والنساء من‌العرب والمستعربین والمستشرقین*، چ۸، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۸۹م.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

ـ زید، علی محمد، *تیارات المعتزله الیمن فی القرن السادس الهجری*، صنعا، المرکز العلمی للدراسات الیمنیه، ۱۹۹۷م.
ـ ـــــــــــــــ، *معتزله الیمن*، صنعا، مرکز الدراسات والبحوث الیمنمی، ۱۹۸۱م.
ـ سرور، محمد جمال الدین، *النفوذ الفاطمی فی جزیره العرب*، چ٤، قاهره، بی‌نا، ١٩٤٦م.
ـ سمعانی، ابوسعید عبدالکریم بن محمدبن منصور تمیمی، *الأنساب*، مطبعهٔ مجلس، هند، دائرهٔ المعارف العثمانیهٔ، ۱۳۸۲ق.
ـ شرف‌الدین، احمد حسین، *تاریخ الفکر الاسلامی فی‌الیمن*، قاهره، بی‌نا، ١٩٦٨م.
ـ ـــــــــــــــ، *تاریخ الیمن الثقافی*، قاهره، بی‌نا، ۱۳۸۷ق.
ـ شهرستانی، ابوالفتح محمدبن عبدالکریم، *الملل والنحل*، چ۲، قم، الرضی، ١٣٦٧ق.
ـ صبحی، احمد محمود، *الزیدیه*، قاهره، بی‌نا، ١٩٨٤م.
ـ صعدی، محمدبن حمزه، *الاحادیث النبویه بالاسانید الیحیویه*، محقق عبدالله‌بن حمود العزی، چ۱، عمان، موسسه الامام زیدبن علی‌الثقافه، ١٤٢٢ق.
ـ عارف، احمد عبدالله، الصله بین الزیدیه و المعتزله، صنعا، المکتبه بیروت، دار آزال، ١٤٠٧ق.
ـ علوی عباسی، علی‌بن محمد عبیدالله، *سیره الهادی الی الحق*، محقق سهیل زکار، چ۲، بیروت، دارالفکر، ١٠٤١ق.
ـ عماره یمنی، تاریخ الیمن، محمدبن علی اکوع، صنعا، ١٩٨٥.
ـ عماره، محمد، *المعتزله و اصول الحکم*، بیروت، الموسسه آلوسیه للدراسات والنشر، ١٩٨٤م.
ـ قلقشندی، احمدبن علی، *صبح الاعشی*، قاهره، بی‌نا، ۱۳۸۳ق.
ـ کحاله، عمررضا، *معجم قبائل العرب القدیمة والحدیثة*، بیروت، موسسه الرساله، ١٤١٤ق.
ـ مُحلّی، حمیدالدین‌بن احمدبن محمد، *الحدائق الوردیة فی مناقب ائمة الزیدیة*، محقق المرتضی‌بن زید المحطوری الحسنی، چ۲، صنعا، مکتبهٔ مرکز بدر للطباعهٔ والنشر والتوزیع، ١٤٢٣ق.
ـ مسعودی، علی‌بن حسین، *مروج الذهب و معادن‌الجوهر*، مترجم ابوالقاسم پاینده، چ۵،

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]

تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷٤ق.
ـ مسکویه، ابوعلی، *تجارب الامم*، تهران، سروش، ۱۳۸۰ش.
ـ مقالح، عبدالعزیز، *قرائت فی فکر الزیدیه والمعتزله*، بیروت، بی‌نا، ۱۹۸۲م.
ـ مقدسی، مطهربن طاهر، *البدء و التاریخ*، پاریس، چاپ کلمان هورا، ۱۹۱۹م.
ـ ملطی، احمدبن عبدالرحمن، *التنبیه و الرد علی الاهواء و البدع*، قاهره، المکتبه الازهریه للتراث، ۱٤۱۷ق.
ـ موسوی‌نژاد، سیدعلی و علی یزدانی، *پیدایش و تطور دولت زیدیه در یمن*، فصلنامه تاریخ اسلام، ش۳و٤، ۱۳۸۹.
ـ واسعی، عبدالواسع‌بن یحیی الیمانی، *فرجه العموم فی حوادث و تاریخ الیمن*، قاهره، مطبعه سلیفه، ۱۳٤٦ق.
ـ الهادی الی‌الحق،یحیی‌بن حسین، *مجموع رسائل الامام الهادی*، محقق عبدالله بن محمد الشاذلی، چ۱، عمان، موسسه الامام زیدبن علی الثقافیه، ۱۲٤۱ق.
ـ هارونی، یحی‌بن حسین، *الافاده فی تاریخ ائمة الزیدیه*، محقق محمد یحیی سالم عزان، چ۱، صنعا، دارالحکمهٔ الیمانیه، ۱٤۱۷ق.
ـ همدانی، حسن‌بن احمدبن یعقوب، *الاکلیل*، محقق محمدبن علی اکوع، قاهره، بی‌نا، ۱۹٦۳م.
ـ ــــــــــــــــــــــــــــ، *صفة جزیرة العرب*، بغداد، دارالشؤون الثقافیهٔ العامهٔ، ۱۹۸۹م.
ـ یزدانی، علی و فاطمه جان احمدی، «بسترها، زمینه‌ها و چالش‌های پیدایی جنبش زیدیه در یمن»، فصلنامه *تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی*، ش۸، ۱۳۹۱.

[Downloaded from journal.isihistory.ir on 2026-11-08]
[DOR: 20.1001.1.22519726.1398.1.35.3.1]